

البته این بازسازی و مخالفت موجه، مورد توجه چندان واقع نشده است، بلکه در عمل کلاً مهجور مانده است. اندیشه غالب امروز عامه همان است که مثل ناصر الدین البانی - که از وی به بخاری معاصر یاد می کنند - می گوید. توجه کنید:

«فنحن نذكر دائما و ابدًا بان الخروج على الحکام [و] لو كانوا من المقطوع بكفرهم - [و] لو كانوا من المقطوع بكفرهم - ان الخروج عليهم ليس مشروعاً اطلاقاً؛ ذلك لان هذا الخروج - ان كان و لا بد - ينبغی ان يكون خروجاً قائماً على الشرع» (در حالی که مفروض این است که شرع، چنین اجازه ای نمی دهد!).

از عجائب روزگار ما، مخالفت هایی است که از برخی بیعت کنندگان با رهبری و حکومت جمهوری اسلامی ایران از عالم نمایان اهل تسنن در ایران صورت میگیرد، در حالی که مطابق موازین قطعی حدیثی، فقهی و سیره عملی اسلاف ایشان در طول تاریخ اسلام، عمل ایشان خلاف شرع و مصداق بغی است.

چنان که بیان شد در نظام سیاسی اسلام، مردم از حق اعتراض برخوردارند لکن این پدیده باید قانونمند باشد، و به پیچیدگیهای آن در بعد اجرا، توجه شود.

به متن ذیل توجه کنید (با تلخیص):

«ان الحاکم اذا صدرت عنه معصية او صار جائراً بعد ما كانت حکومته مشروعاً في بادئ الامر فالظاهر انه لا يمكن القول بانعزاله عن الولاية قهراً او بجواز الخروج عليه بمجرد صدور معصية جزئية او ظلم منه في مورد خاص مع بقاء النظام على ما كان عليه من كونه على اساس موازين الاسلام بداهة ان الحکام غير المعصومين يكثر منهم صدور الهفوات و الأخطاء. فالحكم بالانعزال بل العصيان و التخلف عن اوامرهم المشروعة بلا ضابطة معينة يكون مخالفاً بنظام المسلمين و يوجب الفوضى. بل يمكن الخدشة في صدق عنوان الفاسق او الجائر او الظالم على هذا الشخص بل ربما يصح اطلاق العادل عليه ايضا بناء على كونه عبارة عن الملكة. فالظاهر في هذه الموارد بقاء المنصب المفوض اليه و وجوب النصح و الارشاد و وجوب اطاعتهم في ما يرتبط بشؤون الامة و ان لم تجز اطاعتهم في الجور و المعصية.

و الظاهر انه يجرى في المسألة المراتب المذكورة في باب النهي عن المنكر. و في الحديث انه قيل لرسول الله - ص - : «اي الجهاد احب الى الله - عزوجل - ؟ فقال - ص - : «كلمة حق تقال لامام جائر». و عن رسول الله - ص - انه قال: «الدين النصيحة».

قلنا لمن؟ قال: لله و لكتابه و لرسوله و لائمة المسلمين و عامتهم». و اما اذا انحرف الحاکم انحرافاً اساسياً عن موازين الاسلام و العدالة و ان فرض انه يظهر الاسلام باللسان بل و يتعبد ببعض المراسيم الظاهرية ففي الوزراء و الامراء و العمال يرفع امرهم الى الوالی الذي نصبهم حتى يكون هو الذي يعزلهم و في الوالی الاعظم يجوز بل يجب السعي في خلعه و لو بالكفاح المسلح مع حفظ المراتب و لكن يجب إعداد الاسباب بل الظاهر انه ينعزل قهراً و ان لم تقدر الامة على خلعه فليست حکومته حينئذ حکومت مشروعة»<sup>1</sup>.

نکاتی در مورد این متن باید مطرح نظر قرار گیرد:

- هر گاه مشروعیت حکومت بر مردم در امور مربوط به ایشان را به رای مردم دانستیم (که صاحب این متن هم در آرای اخیرش بر این اندیشه سلوک کرده است،<sup>2</sup> البته دو قلوبی: امور الناس و احکام شرعی را در بیانات خویش گسست نداده، گرچه - قاعدتا - در ثبوت به آن قائل است)، قهرا مساله قرارداد اجتماعی و قانون بین مردم و حاکمیت هم مطرح می شود. اقتضای این نهاد ها هم با آن چه در متن فوق بیان شده الزاما یکی نیست. به نظر می رسد مفاد متن فوق، بیشتر بر اساس اندیشه عدم دخالت رای مردم در مشروعیت حکومت و نبودن قراری خاص بین حاکمیت و مردم تنظیم شده است! اساسی که طبیعتا قابل دفاع نیست.

- واقع امر این است که آن چه در متن فوق و امثال آن مطرح می گردد، در بعد اجرا گاه از ضمانت کافی برخوردار نیست؛ در این باره مجموعه نصوص دینی - به ویژه اطلاقات و عمومات ادله امر به معروف و نهی از منکر و ادله نصیحت و خیرخواهی امت و حاکمیت - راه های سختی را به منصفه ظهور رسانده اند، در آن صورت است که می توان امید به حاکمیت حق و حتی رای مردم داشت. در این باره - به گمان ما - اندیشه وزین فکر کردن در راه کارهای اعتراض و عزل حاکمان است تا اعتبار اکثریت و رای مردم. این کلام را از کارل پوپر فیلسوف انگلیسی نمی توان نادیده گرفت هر چند در کلیت آن مناقشه باشد:

«دمکراسی به معنای حاکمیت مردم نیست. مردم یا اکثریت هیچگاه حکومت نکرده اند. معیار دیگری نیاز است. دمکراسی «توانایی حق عزل حاکمان از سوی مردم بدون خون ریزی و براندازی» است و دیکتاتوری بی نصیب ماندن مردم از این حق است. صندوق رای و پارلمان دمکراسی را تضمین نمی کند. رای گرفتن از مردم لازم است لکن هر رای گرفتنی دمکراسی نیست. حقیقت دمکراسی حق عزل است نه حق نصب.»

بر این بنیان است که برخی بر «چگونه باید حکومت کرد» بجای «چه کسی باید حکومت کند» تاکید دارند. و این در حالی است که در فقه بیشتر بر چه کسی باید حکومت کند یا چه کسی باید قضاوت کند، تمرکز شده است .

- در متن فوق به رعایت مصلحت امت به اندازه عدم صدور معصیت توجه نشده است.
- نصیحت در فرمایش رسول مکرم - ص - صرف موعظه و پنددادن نیست، مطلق خیرخواهی است که قهرا معنای وسیعی پیدا می کند.